

دراماتیک قوی‌تری را ایجاد می‌کند. هر چند شاید بتوان از نقاط ضعف دیگری نیز در مورد «روز صفر» صحبت کرد اما نباید این نکته را نادیده گرفت که این مسیر، پیشینه چندانی در سینمای ایران ندارد و همین که سازندگان فیلم‌های استراتژیک به این نکته پی برده‌اند که تأثیرگذاری واقعی زمانی میسر می‌شود که بتوانند حتی نگاه‌های مخالف را هم به خود جلب کنند، نکته مثبتی است که در صورت برطرف کردن نقاط ضعف فیلم‌هایی چون «روز صفر» می‌تواند به خلق فیلم‌های موفق‌تری منجر شود.

«شبی که ماه کامل شد» و «روز صفر»، با تمام نقاط قوت و ضعف‌شان، نشان می‌دهند که «زویه دید» تا چه حد در سینما اهمیت دارد؛ عنصری که باعث می‌شود بتوان چند فیلم کاملاً متفاوت در مورد یک سوژه ساخت. رخ دادن چنین اتفاقی و ساخته شدن این دو فیلم، اتفاق مغتنمی در سینمای ایران است که از یک طرف این نکته را یادآوری می‌کند که چه حجم قابل توجهی از وقایع مهم و دراماتیک در تاریخ معاصر ایران اتفاق افتاده که سینمای ایران هنوز به‌طور جدی به‌سراغ آن‌ها نرفته و از سوی دیگر نشان می‌دهد چطور می‌توان بارها به‌سراغ یک واقعه مشخص رفته و آن واقعه را از زوایای مختلف تحلیل کرد؛ زوایایی که هر کدام می‌توانند به خلق یک فیلم کاملاً متفاوت منجر شوند. ساخت این دو فیلم را می‌توان نقطه شروعی برای جریانی دانست که در صورت تداوم می‌تواند سینمای ایران را وارد حوزه‌های مضمونی تازه‌ای کند. طبیعی است که این مسیر در ابتدای راه با مشکلات و دست‌اندازهایی مواجه است که با کسب تجربه بیشتر می‌توان آن‌ها را به تدریج رفع یا کم‌رنگ کرد. چنین اتفاقی می‌تواند فرصت را برای تجربیات بعدی سینمای ایران فراهم کند.

یکی از نقاط آغازین یک جریان کلیدی به آن توجه کرد تا نمونه‌ای مناسب از این جریان. یکی از مشکلات به شخصیت اصلی برمی‌گردد؛ قهرمانی که حذف مسائل خانوادگی و در ابهام نگاه داشتن گذشته‌اش تا آن‌جا پیش رفته که به شخصیتی کم‌وبیش تک‌بعدی تبدیل شده است. از این جنبه «روز صفر» بیش از آن که شبیه تریلرهای جاسوسی باشد (فیلم‌هایی که حضور شخصیت‌های پیچیده در آن‌ها ضروری است) به سمت اکشن‌های آمریکایی (که معمولاً با شخصیت‌هایی ساده ساخته می‌شوند) میل کرده است. چنین اتفاقی، عمق فیلم را به‌شکل محسوسی کاهش داده است. البته می‌توان گفت در اکشن‌های سیاسی آمریکایی هم قهرمان به آرمان‌های کلان سیاسی وفادار است و آن را در نهایت بر هر چیزی از ارجح می‌داند. اما حذف این بُعد به‌طور تقریباً کامل در «روز صفر»، عملاً تنوع جنس کشمکش‌ها را کاهش داده است (به‌عنوان مثال تقریباً در هیچ بخشی با تمرکز بر چالش‌ها و کشمکش‌های درونی قهرمان روبه‌رو نیستیم و همین یکی از عوامل تک‌بعدی شدن نسبی شخصیت است). فیلم همچنین در معرفی ضدقهرمانش (ریگی) هم چندان موفق نیست و اگر هنگام تماشای فیلم ایده چندانی در مورد حوادث واقعی نداشته باشیم، ممکن است چندان نتوانیم ریگی را به‌عنوان یک تبهکار باهوش و ترسناک بپذیریم. هر چند ساعد سهیلی تلاش قابل تحسینی کرده تا با رعایت جزییاتی در لحن بیان، شخصیت را بسازد، اما فقدان پرداخت مناسب ریگی معضلی است که کماکان در «روز صفر» احساس می‌شود. درست است که فیلم دارد با محوریت مأمور امنیتی پیش می‌رود اما فراموش نکنید که یک تبهکار قدرتمند و کارزماتیک باعث همدلی بیشتر مخاطب با قهرمان شده و چالش‌های



«روز صفر» اولین فیلم استراتژیک سینمای ایران نیست که چنین مسیری را، با تأکید بر تلاش‌های مأموران امنیتی، طی می‌کند. اما باید میان «روز صفر» و بسیاری از فیلم‌های به‌ظاهر (به خصوص مشابه) دورتر بخت بیشتری برای ارتباط با عموم مخاطبان را داشته باشند. «روز صفر» می‌تواند یکی از فیلم‌های نمونه‌ای این جریان تا امروز لقب گیرد. تلاش برای بهره‌گرفتن از الگوهای موفق تریلرهای سیاسی و فیلم‌های اکشن آمریکایی را می‌توان به وضوح در اولین ساخته سعید ملک‌ان در مقام کارگردان ردیابی کرد. پرداختن به یک قهرمان کاملاً حرفه‌ای که هم به‌شکل آشکاری وطن پرست است و هم به فردیت خود اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، ابهامی که در معرفی گذشته و زندگی شخصی او وجود دارد، و حتی مواردی چون شکل استفاده از نریشن و نوشته‌های روی تصویر از جمله این الگوپردازی‌ها محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، یک نکته دیگر (که شاید از نکته قبیل هم مهم‌تر و تحسین‌برانگیزتر باشد)، تلاش سازندگان «روز صفر» برای حذف تعلقات حزبی و جناحی است. درحالی که بسیاری از فیلم‌های استراتژیک - باز هم به‌خصوص در دهه‌های گذشته - انگار از ابتدا برای مخاطبی ساخته می‌شدند که از اساس به حرف‌های مطرح‌شده در آن فیلم‌ها اعتقاد راسخ داشتند، فیلم‌هایی از قبیل «روز صفر» هدف‌گذاری‌شان را روی طیف وسیع‌تری از مخاطبان قرار داده‌اند. ملک‌ان و همکارانش این نکته را در جای جای «روز صفر» بر جسته می‌کنند که بحران رخ‌داده، ماجرای کاملاً ملی بوده و به هیچ‌نهاد و حزبی ارتباط نداشته است. فیلم، نیروهای امنیتی را افرادی نشان می‌دهد که قرار است شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کند که این نبردها برای مردم مشکل ایجاد نکند. بنابراین «روز صفر» یک فیلم در ارتباط با مسائل کلان سیاسی است که آغوش خود را حتی به روی مخاطبی باز می‌کند که ممکن است دل خوشی از سوژه فیلم نداشته باشد.

با وجود این ویژگی‌های کلیدی، «روز صفر» به دلایلی از یک فیلم درجه یک فاصله می‌گیرد به‌طوری که بیشتر می‌توان به‌عنوان

